

## ارزیابی عملکرد سازمان ملل در قبال بحران‌های بین‌المللی (مطالعه موردی بحران یمن)

علی شاکر\*  
امیر سیاهپوش\*\*  
داود فیض افرا\*\*\*

### چکیده

بحران یمن را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های نظام بین‌الملل توصیف کرد. سازمان ملل متحد از ابتدای ناآرامی‌های کشور یمن با تکیه بر اهداف اصلی منشور حفظ صلح و امنیت جهانی، فرستادگانی ویژه بسوی این کشور گسیل داشت تا عزم جدی خود برای حل و فصل منازعات را نشان دهد. سوال اصلی این است که آیا سازمان ملل در حل بحران‌های بین‌المللی موفق بوده است؟ مسئله یمن بعنوان نمونه‌ای از نقش سازمان ملل در حل بحران‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای پاسخ، رفتارها و تصمیمات از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ با مراجعه به اسناد و مدارک بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد رفتارها و تصمیمات سازمان ملل که شامل گسیل فرستادگان ویژه، صدور قطعنامه‌ها و انجام توافق استکهلم بود، موفقیتی نداشته و همچنان این سازمان در بحران‌های غرب آسیا و راهبردهای آن جهت برقراری صلح در کشورهای درگیر ناآرامی با شکست مواجه بوده است.

### واژگان کلیدی

یمن، عربستان، سازمان ملل، بحران بین‌المللی، استکهلم.

shaker313@ymail.com

amirsiahpoosh370@yahoo.com

feizafra@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۲

\*. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه دانشگاه مفید.

\*\* استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

\*\*\* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس، تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۵

## مقدمه

پیدایش سازمان ملل متحد مرهون مجموعه اقداماتی در بحبوحه جنگ جهانی دوم بود که نخستین آنها با صدور اعلامیه بین‌الملل متحدین (اعلامیه کاخ سنت‌جیمز) در ۱۲ ژوئن ۱۹۴۱ با هدف اصلی رسیدن به «همکاری علاقمندان ملل آزاد در جهان آسوده از خطر تجاوز» در تاریخ به ثبت رسیده است. (موسی‌زاده، ۱۳۹۵: ۹۵)

سند تصویب منشور سازمان پس از ۵۱ ماه طی تشریفات در کنفرانس سانفرانسیسکو مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ لازم‌الاجرا شد و بدین ترتیب، سازمان ملل همانطور که در بند اول از نخستین ماده منشور اهداف آن ذکر شده است، حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی را سرلوحه کار خود قرار داد. (همان: ۹۹ - ۱۰۰)

سازمان براساس منشور خود و پذیرش آن توسط اعضا، اختیار دارد که با ورود به بحران‌های بین‌المللی از دو روش مسالمت‌آمیز (رایزنی‌های دیپلماتیک) و یا استفاده از قوه قهریه (ابتدا صدور قطعنامه و سپس انجام عملیات نظامی بین‌المللی) صلح را در ابعاد مختلف مستقر سازد. (بختیاری و قاسم، ۱۳۸۰: ۵۸) از زمان تاسیس سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۱۱، شورای امنیت مجوز ۶۶ عملیات صلح‌بانی را صادر کرده است. (عزیزی، ۱۳۹۶: ۲۲۱۷)

همچنین سازمان با آغاز موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی - آفریقایی که منجر به بروز بحران‌های جدی در سطح بین‌المللی شد، با هدف تأثیرگذاری بر منازعات به نفع صلح و آرامش جهانی به منطقه ورود پیدا کرد و رفتاری متناقض را از خود به نمایش گذاشت؛ به طوری که ناظران سیاسی معتقدند سازمان گاه به حمایت از دیکتاتور یک کشور غیردموکراتیک و گاه به جانبداری از مخالفان تابه‌دندان مسلح‌شده توسط برخی اعضای دائم شورای امنیت پرداخته است. (همان، ۲۲۱۲)

ناآرامی‌های سوریه و یمن به‌عنوان مهم‌ترین چالش امنیتی تهدیدکننده صلح در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ شناخته شد و درهمین ارتباط، نماینده سازمان دو هفته پس از جشن کریسمس ۲۰۲۰ مدعی شد که احتمال برقراری صلح طی سال جاری در یمن وجود دارد. (UN News، 2020)

بحران یمن و چالش‌های سیاسی - اجتماعی پیش‌روی آن که امنیت در تمامی ابعاد را به خطر انداخته است، نیازمند میانجی بی‌طرف و مرضی‌الطرفین برای دستیابی به صلح را بیش‌ازپیش محسوس می‌کند و ازاین جهت، سازمان ملل متحد که هدف اصلی آن حفظ صلح و امنیت و همچنین جلوگیری از جنگ در نظام بین‌المللی است، به‌عنوان بازیگر کلیدی مطرح می‌گردد. (UN، a)

دخالت نظامی بیگانگان با اسامی مختلف در پرونده یمن و کشیده شدن منازعات از درگیری مسلحانه داخلی به جنگی تمام‌عیار در ابعاد فرامنطقه‌ای، مأموریت ویژه‌تری را برای سازمان ملل براساس بند

چهارم ماده دوم از فصل اول منشور مبنی بر لزوم احترام به حاکمیت و عدم بکارگیری زور بر ضد تمامیت ارضی کشورها تعریف کرد. (همان) درهمین رابطه، نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در پرونده یمن حائز اهمیت است.

## قدرت‌های منطقه‌ای

### ۱. عربستان

باید دانست که پادشاهی عربستان را می‌توان پرنقش‌ترین بازیگر منطقه‌ای در پرونده سیاسی یمن توصیف کرد که در جنوب خود تقریباً ۱۴۷۰ کیلومتر مرز مشترک با دولت صنعا دارد. (ریدل، ۲۰۱۹)

پس از موج بیداری اسلامی و انقلاب مردم یمن در سال ۲۰۱۱، سعودی‌ها توافقی را با علی عبدالله صالح، دیکتاتور وقت یمن راهبری و نظارت کردند که به موجب آن حکومت به عبدربه منصور هادی منتقل شد. نقش سعودی تا جایی گسترش یافت که هادی در پی خیزش انقلابیون، پس از استعفا در سال ۲۰۱۵ به ریاض فراری شد و عربستان ضمن پذیرش رئیس‌جمهور مستعفی، وی را مأمور به پروژه جدیدی کرد که پاداش آن تأمین بودجه دولت مستعفی بود. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۴۷)

عربستان در وهله نخست به قدرت رسیدن دولت انقلابی شیعه در جنوب حجاز را برنتابیده و انتقال قدرت به نفع انصارالله را خطری جدی برای امنیت ملی خود قلمداد می‌کند، لذا برای تغییر معادله دست به تشکیل ائتلافی خودخوانده موسوم به اسلامی در مارس ۲۰۱۵ زد و اولین تجاوز خود بر ضد حاکمیت یمن را با عنوان «طوفان قاطعیت» مرتکب شد. (النعیمی، ۲۰۱۸)

دومین علت اصلی تصمیم سعودی برای حمله به یمن در گروهی انگیزه اقتصادی و سه تا چهار میلیارد بشکه از ذخایر نفت یمن بود که سعودی‌ها امیدوار بودن که میزان بیشتری از انرژی را اکتشاف کنند. چنین تحولاتی پس از آن رخ می‌دهد که ریاض در سال‌های پیش از بحران یمن نتوانسته بود میدان‌های نفتی مهم جدیدی را در داخل خاک خود اکتشاف کند. (الخلیج، ۲۰۲۰)

سومین دلیل عربستان، میل سرکش برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای ارزیابی و خروج یمن از مدار سیاسی ریاض از دیگر دغدغه‌های سعودی توصیف می‌شود. در نتیجه، روی کار آمدن حکومتی مخالف عربستان در یمن، سودای رهبری ریاض بر جهان عرب و فرماندهی در شورای همکاری‌های خلیج فارس را با مشکل جدی مواجه می‌کند، به‌خصوص آن که کشورهای عربی مانند قطر و امارات یک‌به‌یک از چتر پدرسالارانه این کشور خارج شده‌اند. (ابوزید، ۲۰۱۸: ۲۵۳)

بنابراین با طولانی شدن جنگ و کم‌اثر شدن تجاوزات به یمن، تنش‌ها میان هم‌پیمانان سعودی

بالا گرفته است و هریک منافع مستقل جدید خود در یمن را دنبال می‌کنند که در رأس آن، جدایی‌طلبان شورای انتقالی جنوب با حمایت امارات و نیروهای عبدربه هادی وابسته به عربستان از استراتژی تعاملی به تقابلی تنزل یافتند.

ریاض تا به‌دندان مسلح که تا ۲۰۱۹ نتوانسته بود بر انقلابیون یمنی محاصره‌شده فایق آید، برای جلوگیری از به‌بار آمدن افتضاح سیاسی بزرگ‌تر در سطح بین‌المللی، حاضر به تقسیم منافع جنگ شد و در ماه اوت میلادی، توافقی را میان نیروهای در حمایت امارات و دولت مستعفی دست‌نشانده خود به امضا رساند. (دویتشه فیله، ۲۰۱۹)

## ۲. امارات

پادشاهی امارات‌متحده عربی علی‌رغم اینکه مرزهای مشترکی با یمن ندارد؛ اما با آغاز جنگ در قالب ائتلاف آل‌سعود، ثقل نظامی و سیاسی خود را متمرکز بر نقش‌آفرینی در پرونده مذکور کرد. بسیاری از ناظران سیاسی دخالت‌های ابوظبی در بحران سیاسی یمن را برخاسته از منافع اقتصادی امارات ارزیابی می‌کنند. امارات بیم آن را دارد که فعال شدن سواحل و بنادر یمن به‌ویژه بندر عدن تأثیر منفی بر فعالیت بندرهای دبی بگذارد. (الاحمدی، ۲۰۲۰)

جزایر جنجال برانگیز سقظری که از سال ۲۰۱۷ به شهرت عمومی رسید، مجمع‌الجزایر استراتژیکی است که میان دو قاره آسیا و آفریقا و در دهانه خلیج‌عدن قرار دارد. این جزایر متعلق به یمن است که امارات ضمن ادعای ارتباط تاریخی، اقدام به اشغال خاک و غارت منابع نایب آن کرده است؛ همچنین اشغالگران اماراتی با وعده رفاه و تابعیت به ساکنان سقظری، قصد رقابت با عربستان بر سر رهبری مخالفان یمن را دارند. گفته می‌شود که علت تشدید اختلافات ریاض و ابوظبی در سال ۲۰۱۹، اشغال مجمع‌الجزایر مذکور و سهم‌خواهی‌ها بر سر آن بوده است. (العرفی، ۲۰۱۹)

از طرفی، امارات‌متحده عربی به‌ویژه بعد از بیداری‌اسلامی، تحرک اسلام سیاسی را تهدیدی برای خود می‌داند و به‌واسطه مشکلات تاریخی خود با گروه‌هایی مانند اخوان‌المسلمین تلاش دارد، تا اجازه ندهد در یمن حزب‌الاصلاح و دیگر احزاب اسلام‌گرا قدم علم کنند. (الاحمدی، ۲۰۲۰)

## ۳. ایران

ابتدا باید دانست که پنج دهه روابط ایران و یمن همواره تابعی از متغیر راهبرد سیاست خارجی تهران بوده است. ایران که در دوره پهلوی، ژاندارم غرب در منطقه بود از یمن شمالی حمایت و بخشی از نظامیان خود را برای دفاع از پادشاهی عمان، همسایه یمن جنوبی (متحد شوروی) در ظفار مستقر کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یمن شمالی به رهبری علی عبدالله صالح جزو اولین کشورهایی بود که ایران را به رسمیت شناخت؛ اما پس از آغاز جنگ تحمیلی به دنباله‌روی از شورای همکاری خلیج فارس از رژیم صدام پشتیبانی کرد و درمقابل، یمن جنوبی به رهبری علی ناصر محمد به حمایت از ایران پرداخت. پایان جنگ تحمیلی مصادف با اتحاد دو یمن شمالی و جنوبی به ریاست علی عبدالله صالح بود که البته این اتفاق، تغییری در مناسبات تهران و صنعا ایجاد نکرد. (هوشی سادات، ۱۳۹۳)

دنباله‌روی صالح از سعودی و هراس ریاض از حوثی‌ها — که آنان را به چشم دریچه نفوذ ایران به مناطق شمالی یمن می‌نگریست — منجر به شش حمله مشترک زمینی و هوایی ارتش دو کشور یمن و عربستان به این گروه شیعه در بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ شد. کشتار مظلومانه شهروندان حوثی یمن، جمهوری اسلامی ایران را به واکنش وامی داشت و تهران از معدود کشورهای حامی انقلاب یمن بود که همین امر، تیرگی روابط تهران و صنعا در دوره صالح و پس‌از آن عبدربه هادی را به همراه داشت. (نجات، موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۶۶)

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر فصل دهم قانون اساسی، ضمن حمایت از استقلال و حاکمیت کشورها، دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادی‌بخش را وظیفه خود می‌داند که بدین ترتیب، می‌تواند منجر به برقراری یک حکومت اسلامی شود. (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۴۹).

حمایت تهران از حوثی‌ها و سپس جنبش انصارالله در یمن، براساس همین تعهد، مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت. درواقع ایران پس از خیزش اسلامی سال ۲۰۱۱ در برخی کشورهای عربی و شعله‌ور شدن خشم مردم تحت حاکمیت‌های استبدادی را بیداری اسلامی نام نهاد که یمن یکی از این موارد بود. (نجات، موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۶۷)

بی‌شک، برخلاف آنچه مخالفان انقلابیون یمنی می‌پندارند، استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی هرگز صرفاً حمایت از شیعیان نبوده و پشتیبانی ایران در تمام سطوح از سازمان‌های مبارز فلسطینی همچون حماس، مهر تأییدی بر این مدعا است. درمورد نمونه مطالعاتی یمن، احزاب و گروه‌هایی در میان انقلابیون وجود دارند که برخلاف شیعیان چهار امامی حوثی به ۱۲ امام شیعه اقتدا می‌کنند؛ ولی تهران نه‌تنها درصدد مطرح کردن آنان به موازات انصارالله برنیامد؛ بلکه بر تفضیل انصارالله بر تمامی احزاب مجاهد ۱۲ امامی به‌دلیل پرچمداری آن جنبش در جبهه ضدصهیونیسم و استکبار جهانی تأکید ورزید و درحال حاضر، تمامی مراودات دیپلماتیک خود در عالی‌ترین سطح را با جنبش انصارالله به‌عنوان حزب حاکم و دولت رسمی یمن انجام می‌دهد.

بنابراین، نه سعودی‌ها به‌عنوان متجاوز اصلی به یمن نماینده اهل‌تسنن محسوب می‌شوند و نه

ایران در حمایت خود از مجاهدان یمنی به نگرش‌های مذهبی اولویت داده است؛ چنان‌که کلام امام خامنه‌ای مؤید نگرش جمهوری اسلامی به مسئله یمن است:

جنگ در یمن، جنگ سیاسی است، نه مذهبی؛ به دروغ می‌گویند که بحث شیعه و سنی است، درحالی‌که شیعه و سنی نیست. بعضی از آنهایی که زیر بمباران سعودی‌ها در یمن دارند بچه و زن و کودک شیرخوار و بیمارستان و مدرسه را از دست می‌دهند، شافعی‌اند، بعضی‌شان زیدی‌اند؛ بحث شیعه و سنی نیست، دعوا دعوای سیاسی است، دعوای سیاست‌ها است. (۱۳۹۴/۰۵/۰۶)

#### ۴. عمان

پادشاهی عمان، همسایه شرقی یمن است که بیش از ۲۸۸ کیلومتر مربع مرز مشترک با این کشور دارد. مسقط پیوندها و روابط مشترک بسیاری با فرزندان استان‌های المهره و سقطری دارد. این کشور از نخستین روزهای تجاوز بر ضد یمن از پیوستن به ائتلاف سعودی سر باز زد و ترجیح داد که نقش میانجی را در پرونده یمن بین ائتلاف متجاوز و انقلابیون انصارالله ایفا کند. این نکته نباید مغفول بماند که مسقط به تجزیه جنوب یمن از سوی نیروهای نزدیک به امارات و سیطره دولت ابوظبی در مناطق جنوبی کشور یمن به چشم تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌نگرد. پیش‌تر نیز عمان در سال ۲۰۱۱ اعلام کرده بود که یک گروه نفوذی وابسته به امارات‌متحده عربی که درصدد کودتا بوده‌اند را دستگیر کرده است. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۵۶ - ۵۷)

باید دانست درحالی‌که گرایش نسبی عمان به انصارالله در سفر اوایل ۲۰۱۶ مقامات این جنبش به مسقط مورد توجه قرار گرفت و عمانی‌ها ضمن استقبال گرم از همسایه غربی خود، بسته پیشنهادی ارسال کمک‌های بشردوستانه به یمن و همچنین حمایت پزشکی از مجروحان در بیمارستان‌های خود را ارایه کرده بودند. (2016, al-Falahi)

#### ۵. قطر

پادشاهی قطر گرچه در آغاز تجاوزات بر ضد مردم مظلوم یمن به عضویت در ائتلاف سعودی درآمد، پس از بحران کشورهای حاشیه خلیج فارس با دوحه و محاصره این کشور از سوی عربستان، امارات و بحرین، راهبرد جدیدی را در این پرونده اتخاذ و از همراهی ائتلاف کناره‌گیری کرد. قطر به پاس حمایت‌های آنکارا در مقابل تحریم‌های سعودی در ژوئن ۲۰۱۷، به تیم ترکیه پیوست و از آن زمان به‌عنوان دوست نیابتی ترک‌ها در مقابل ریاض بر سر پرونده یمن وارد زمین امتیازگیری شد. دوحه ترجیح داد که به همراه متحد استراتژیک خود به حمایت از جریان

اخوانی‌الاصلاح بپردازد، تا با افزودن این ضلع به مثلث شورای انتقالی — دولت مستعفی — انصارالله، خود را در میان مربع قدرت‌های حامی طرف‌های اصلی دعوا ببیند.

گفتنی است که قطر، تجزیه جنوب یمن را تهدیدی برای خود ارزیابی می‌کند و بر این باور است که چنین اقدامی موجبات قدرت یافتن متحدان امارات را فراهم می‌سازد. این کشور همچنین به واسطه اقدامات رسانه‌ای و سیاسی در تلاش است، تا جایگاه عربستان و امارات در یمن را تضعیف کند؛ همین رویکرد نیز باعث افزایش چشم‌گیر پوشش اخبار انصارالله و حملات آنها به عمق خاک سعودی شد. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۵۷-۵۸)

## ۶. اسرائیل

تئودور هرتسل، بنیانگذار جنبش جهانی صهیونیسم نیم قرن پیش از تأسیس رژیم جعلی اسرائیل به تحقق طرح اتصال دریای سرخ به دریای مرده و از آنجا به دریای مدیترانه می‌اندیشیده و بر همین اساس، اسرائیل همواره به دنبال سیطره بر دریای سرخ و تنگه باب‌المندب بوده است. (السیّد، ۲۰۱۹)

قیام سپتامبر ۲۰۱۴ یمن و روی کار آمدن مجاهدانی با شعار «الموت لإسرائيل» ترس رژیم صهیونیستی از عدم‌هیمنه بر دریای سرخ را افزون کرد. در واقع اسرائیل، تسلط انصارالله بر پایتخت و سپس بندر الحدیده و فرودگاه‌های آن را تهدیدی آشکار و مستقیم ضدامنیت ملی و امنیت دریایی خود توصیف می‌کرد. نقش اسرائیل در بحران ۲۰۱۵ یمن صرفاً محدود به تحریک متجاوزان نشده و از ماه‌های ابتدایی جنگ به‌وسیله سازوکارها و ابزارهای مختلفی در ائتلاف سعودی حضور مستقیم و غیرمستقیم داشته است؛ در حالی که در میان نقش‌آفرینی بازیگران گوناگون در پرونده یمن از رژیم صهیونیستی کمتر سخنی گفته می‌شود. ناگفته نماند که بازیگری اسرائیل شامل: مشارکت، برنامه‌ریزی، آموزش، پشتیبانی اطلاعاتی و همکاری در عملیات نظامی است. (همان)

گفتنی است که رژیم صهیونیستی دارای پایگاه‌های نظامی گوناگونی در جمهوری اریتره، کشور هم‌مرز با دریای سرخ است که تراکم آن در بندر ساحلی عصب بیشتر به چشم می‌خورد. اسرائیل در بندر مصوع واقع در ساحل شرقی اریتره نیز حضور دارد؛ گفته می‌شود که حتی جزیره‌های اطراف آن را نیز از دولت ضعیف مرکزی اجاره کرده است. (الزهاوی، ۲۰۱۹)

از سوی دیگر منابع اسرائیلی اعلام کرده‌اند که دست‌کم ۱۰۰ افسر نیروی هوایی رژیم در پایگاه ملک فیصل در تبوک در عربستان مستقر هستند و این پس از توافق واشنگتن و ریاض در ۲۰ آوریل ۲۰۱۶ به وقوع پیوست. به عبارت دیگر، نظامیان سعودی کاملاً این پایگاه را ترک و به آمریکا و رژیم صهیونیستی واگذار کرده‌اند، تا بمباران هوایی یمن را مدیریت کنند. (السیّد، ۲۰۱۹)

رابطه استراتژیک آل سعود و اریتره در سایه بازیگری صهیونیست‌ها بر ضد یمن، زمانی تبیین می‌شود که برخی اطلاعات از کمک‌های نظامی چشمگیر اسرائیل از بندر عصب به پایگاه خمیس مشیط در عسیر حکایت دارد. (الزهاوی، ۲۰۱۹)

### قدرت‌های فرامنطقه‌ای

#### ۱. انگلیس

ابتدا باید دانست که انگلیس نقش مهمی را در یمن با تمرکز بر نقش‌آفرینی سیاسی و همچنین تلاش برای ایجاد تسویه‌حساب سیاسی ایفا می‌کند. لندن با توجه به روابط گسترده خود با ابوظبی و ریاض به حمایت از جنگ پرداخته و مبالغ قابل‌توجهی را از فروش تسلیحات به این دو کشور کسب کرده است. گزارش‌های متعددی منتشر شده است که از فروش میلیاردها پوند تسلیحات انگلیسی به عربستان برای حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامیان پرده برمی‌دارد. (بوتینی، ۲۰۱۷)

انگلستان البته با توجه به استعمار جنوب یمن، پیشینه‌ای سلبی در یمن دارد و در سال‌های وقوع جنگ تلاش کرده است، تا با طرح راهکارهای سیاسی به ایفای نقش بپردازد، راهکارهایی که مهم‌ترین آن توافق نافرجام استکهلم بود. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۴)

#### ۲. آمریکا

کاخ سفید همواره مدعی آن بوده که به دنبال توقف جنگ در یمن است؛ اما در عمل به واسطه حمایت‌های گسترده سیاسی و لجستیکی خود از ابوظبی و ریاض بر آتش این قتل‌عام دمیده است. جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا به محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی این اجازه را داد، تا به تجاوز و سرکوب بیشتر دست بزند؛ به‌گونه‌ای که پافشاری ایالات‌متحده بر این راهبرد، موجب کشتار غیرنظامیانی شد که شاید برخی هیچ شعاری بر ضد دولت استکباری واشنگتن سر نداده بودند. (Bandow, 2019) درحالی‌که آمریکا با موضع‌گیری‌های عوام‌فریبانه، ادعای حمایت از وحدت یمن و مخالفت با هرگونه تجزیه آن را به کمک دستگاه دیپلماسی خود اعلام می‌دارد.

واشنگتن همچنین در رابطه با مبارزه با آنچه که گروه‌های تروریستی در یمن می‌خواند، دهه‌هاست که به دخالت یمن پرداخته و در آب‌های منطقه‌ای آن حضور فعال دارد. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۵)

#### ۳. روسیه

فدراسیون روسیه به‌عنوان میراث‌دار اتحادیه جماهیر شوروی، سابقه‌ای طولانی در رابطه با یمن



جنوبی و شمالی دارد که بخش اعظم این نقش‌آفرینی در چارچوب نظامی تعریف می‌شود. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۶) شوروی از دیرباز بر جزایر یمنی اشراف داشت و در سایه روابط قوی خود با یمن جنوبی، چند پایگاه نظامی در مجمع‌الجزایر استراتژیک سقطری تأسیس کرده بود. (الربابعة، ۲۰۱۱: ۱۲)

مسکو گرچه مواضع متفاوتی از سایر بازیگران را اتخاذ کرده است و با تبدیل بحران داخلی یمن به یک جنگ تمام‌عیار فرمانطقه‌ای و روی کار آمدن انصارالله به‌عنوان بازیگر اصلی داخلی، این جنبش مردمی را به رسمیت نشناخت؛ اما تلاش کرد تا در قامت میانجی ظاهر شود. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۶) درهمین‌راستا نیز سفیر روسیه آخرین سفیری بود که پس از آغاز تجاوز ائتلاف سعودی، صنعا را ترک کرد. (الاحمدی، ۲۰۱۵)

باید توجه داشت مسکو تنها دولتی بود که در آگوست ۲۰۱۹ هدف قرار دادن نیروهای عبدربه هادی توسط جنگنده‌های اماراتی در عدن را محکوم کرد، تا با این کار ضمن تأکید بر وحدت اراضی یمنی و مخالفت با تجاوزگری، خود را بازیگری بی‌طرف در میان جناح‌بندی‌های موجود جلوه دهد. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۷)

با تمام این اوصاف، روسیه می‌داند که آینده اقتصاد دریامحور آن در گروهی سرنوشت یمن و بازیگری در پرونده این بحران است و لذا پس از گذشت سه دهه از فروپاشی شوروی، مسکو همچنان به دنبال تسلط بر جزایر استراتژیک است؛ موضوعی که پس از دیدار دیوید پترائوس، سرفرماندهی وقت کل ارتش ایالات‌متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه، شرق آفریقا و آسیای مرکزی با صالح، دیکتاتور وقت یمن، نیروی دریایی روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد که دولت مسکو هرگز از برنامه‌های خود مبنی بر داشتن پایگاه‌های دریایی در سقطری چشم‌پوشی نکرده است. (الشرجی، ۲۰۱۷)

#### ۴. چین

جمهوری خلق چین به‌عنوان یکی از قدرتهای بزرگ نظام بین‌المللی به پرونده یمن از دریچه اقتصادی می‌نگرد، به‌ویژه آنکه عدن از نقاط جغرافیایی بسیار مهم در مسیر احیای جاده ابریشم به‌شمار می‌آید. دولت پکن تلاش دارد، تا با نقش‌آفرینی بیشتر در یمن ضمن افزایش صادرات تجاری خود روابطش با کشورهای منطقه را تقویت بخشد. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۷) درهمین‌راستا نیز دولت وقت یمن توافقی را در سال ۲۰۱۳ با دولت چین در راستای بهبود بندر عدن و بهره‌برداری از آن امضا کرد. (رئاسة الیمنیة، ۲۰۱۳)

باید دانست توافق پکن با دولت یمن پس از آن به امضا رسید که صنعا توافق خود با شرکت دی‌پی ورلد امارات را لغو کرد و شاید یکی از مهم‌ترین دلایل حمایت ابوظبی از تجزیه‌طلبان شورای انتقالی

جنوب، جلوگیری از نقش آفرینی اقتصادی چین در آن منطقه به ویژه عدن باشد. (الجزیره، ۲۰۱۲)

طولانی شدن جنگ یمن و محاصره غذایی و دارویی این کشور، ارمغانی جز اشاعه بیماری‌هایی همچون وبا و تراژدی مرگ شش کودک یمنی به ازای هر ساعت نداشت؛ وضعیتی که پای نهادهای وابسته سازمان ملل را به این پرونده باز کرد. برنامه جهانی غذا سال ۲۰۱۹ ضمن اعلام وضعیت اضطراری در یمن، اعلام کرد که میزان سوءتغذیه در بین زنان و کودکان یمنی همچنان در بالاترین رده جهان قرار دارد و بیش از یک میلیون زن و دو میلیون کودک بر اثر سوءتغذیه حاد نیازمند درمان هستند. (WFP، 2019)

یونیسف در گزارشی اعلام کرد که تا ماه چهارم سال ۲۰۲۰ میلادی، ۴۲۵۸۲ شهروند یمنی در جنگ تحمیلی پنج ساله کشته و زخمی شده‌اند که در این آمار، ۳۷۲۵ کودک و ۲۳۵۷ زن دیده می‌شود. شمار زیرساخت‌های نابودشده یا خسارت دیده‌شده در یمن ۸۶۱۰ مورد گزارش شده است که در این میان ۱۵ فرودگاه، ۱۶ بندرگاه، ۲۹۷ ایستگاه و ژنراتورهای برقی، ۵۲۰ شبکه و ایستگاه ارتباطی و نیز ۱۹۹۰ مخزن و شبکه آبرسانی از مدار بهره‌برداری خارج شده است.

این سازمان بین‌المللی در ادامه از تخریب ۹۶۳۵۷۲ بنا در کشور خبر داده است که شامل ۱۳۳۶ مسجد، ۴۵۸۰۶۱ منزل مسکونی، ۳۸۵ بیمارستان و مرکز پزشکی، ۵۰۲۱۷۹ موسسه، ۳۵۱ کارخانه، ۸۶۶ فروشگاه و ۳۹۴ مزرعه می‌گردد. در این گزارش همچنین به انهدام ۷۸۸۵ وسایل نقلیه شامل ۲۸۶ تانکر حمل سوخت، ۶۴۰۴ خودروی شخصی و عمومی، ۴۵۹ قایق ماهیگیری و ۷۳۶ کامیون حمل غذا اشاره شده است. (سبوتیک، ۲۰۲۰)

نتیجه پنج سال تجاوز به کشور یمن (از مارس ۲۰۱۵ تا آوریل ۲۰۲۰)

انسانی	۴۲۵۸۲ کشته و زخمی	۳۷۲۵ کودک	۲۳۵۷ زن
زیرساخت	تخریب ۸۶۱۰ مورد	۱۵ فرودگاه	۱۶ بندرگاه
		۲۹۷ ایستگاه برقی	۵۲۰ ایستگاه ارتباطی
بنا	تخریب ۹۶۳۵۷۲ مورد	۳۸۵ مرکز درمانی	۱۳۳۶ مسجد
		۵۰۲۱۷۹ موسسه	۴۵۸۰۶۷ منزل
نقلیه	انهدام ۷۸۸۵ مورد	۲۸۶ تانکر سوخت	۶۴۰۴ خودرو
		۴۵۹ قایق	۷۳۶ کامیون حمل غذا

در چنین وضعیتی، نقش‌آفرینی مثبت و منفی سازمان در پرونده یمن همچون تابعی از محور سینوس بر دایره بحران این کشور بوده است و در اینجا، این مسئله مطرح می‌شود که سازمان ملل چه کارنامه‌ای را در رفع بحران این کشور کسب کرده است؟ در ارتباط با این موضوع، مقاله‌ای با عنوان «جایگاه میانجی‌گری مبتنی بر اخلاق سازمان ملل متحد در بحران‌های سوریه و یمن» (احرامی، توکلی و جلالیان، ۱۳۹۷) به رشته تحریر آمده است که ضمن نگاه سازه‌نگارانه و ایدئالیستی با گستره‌ای تحقیقاتی به وسعت دو کشور، نقشه‌راهی برای حل منازعات سوریه و یمن توسط این سازمان ارائه می‌نماید.

دیگر پژوهش نزدیک به موضوع مقاله حاضر، «بررسی بحران یمن: تحولات، ریشه‌ها، بازیگران و راهکارهای موجود برای اتمام بحران»، (کشیشیان و سهیلی، ۱۳۹۸) است که با بررسی ریشه‌های بحران این کشور و میزان نقش‌آفرینی بازیگران دولتی و غیردولتی، سناریوهای آینده را پیش‌بینی می‌کند. با پیشینه بیان‌شده، مطالعه بحران یمن و بررسی همه‌جانبه عملکرد مهم‌ترین بازیگر غیردولتی — که بیش از تمامی بازیگران موجود ارتباط مستمر با مقامات عالی طرفین دعوا دارد — ضرورت انجام پژوهش را به‌وجود می‌آورد.

بنابراین با نگاهی به درگیری‌ها در یمن و بازیگری سازمان بین‌الدولی ملل متحد، عملکرد آن را می‌توان در سه بخش مورد نقد و بررسی قرار داد که نگارنده در تلاش است، تا کارنامه سازمان را با تحلیل رفتارهای آن در «صدور قطعنامه‌ها»، «فرستادگان ویژه» و «توافقات» ارزیابی نماید.

### تأثیر قطعنامه‌های شورای امنیت در حل بحران

گفتنی است از زمان آغاز انقلاب یمن در سال ۲۰۱۱ بر ضد علی عبدالله صالح که سه دهه در رأس حکومت بود، شورای امنیت سازمان ملل ۱۲ قطعنامه در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به ترتیب به شماره‌های ۲۰۱۴، ۲۰۵۱، ۲۱۴۰، ۲۲۰۱، ۲۲۰۴، ۲۲۱۶ و ۲۲۶۶، ۲۳۴۲، ۲۴۰۲، ۲۴۵۱، ۲۴۵۲ و ۲۴۸۱ صادر کرد. (OSESGY) صدور قطعنامه‌ها در برهه‌ای اتفاق افتاد که ارتش یمن بین حکومت و انقلابیون تقسیم شد و در نتیجه درگیری‌های پراکنده داخلی، جای خود را به جنگ داخلی دادند.

درواقع اوج‌گیری بحران یمن در سال ۲۰۱۱ ریشه در تنش‌ها و بحران‌های عمیق این کشور داشت که از سال ۲۰۰۴ به بعد، شدت بیشتری یافته بود. «جنگ‌های شش‌گانه دولت و حوثی‌های زیدی در شمال یمن»، «ورود عربستان به جنگ ششم و منطقه‌ای شدن بحران داخلی»، «تحرک جدایی‌طلبان حراک برای تجزیه مناطق جنوبی یمن» و «افزایش دامنه فعالیت القاعده در یمن» موجب تضعیف ثبات، به خطر افتادن امنیت سیاسی و اجتماعی یمن و به تبع لزوم تغییر ساختار آتی

سیاسی کشور شد که شورای امنیت طی این هفت سال هیچ قطعنامه‌ای را در راستای برقراری صلح و حفظ امنیت جهانی صادر نکرد. (دولت‌خواه و شفیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۲)

دبیرکل وقت سازمان ملل در آوریل ۲۰۱۱ اقدام به انتخاب نماینده‌ای ویژه برای حل و فصل بحران یمن کرد که مخالفت صالح برای کناره‌گیری از قدرت به صدور اولین قطعنامه در اکتبر ۲۰۱۱ به شماره ۲۰۱۴ انجامید و در آن بر لزوم انتقال فراگیر و سازمان‌یافته قدرت تأکید شده بود. (UN، 2011)

خاستگاه این قطعنامه راهکار خلیجی بود که سازمان ملل و شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان طرف‌های حاضر در آن مشارکت داشتند و بر مبنای آن از صالح خواسته شده بود تا صلاحیت‌های خود را به عبدربه منصور هادی، معاون خود تفویض کند و ۹۰ روز به‌عنوان رئیس‌جمهور تشریفاتی به‌کار خود ادامه دهد، تا دولت وحدت ملی یمن تشکیل شود. (الشربینی، ۲۰۱۹)

هادی از فوریه ۲۰۱۲ سکندار دولت یمن شد و قرار بود که به مدت دو سال این امر ادامه پیدا کند؛ اما بنا به شرایطی که یمن با آن دست‌وپنجه نرم می‌کرد، جمال بن عمر، نماینده ویژه سازمان ملل، دوره انتقالی را به مدت نامعلومی تمدید کرد. در آن برهه، این مسئله با مخالفت‌های بسیار مواجه شد و طرف‌های مختلفی از قبیل انصارالله یمن و حزب کنگره مردمی وابسته به صالح، چنین اقدامی را غیرمشروع خواندند.

موضوع یادشده به همراه عملکرد ضعیف عبدربه هادی و همچنین ناکارآمدی‌اش در اداره امور، اعتراضات مختلفی را در برداشت که در نهایت به افزایش تنش‌ها و کنترل صنعا و دیگر شهرهای یمن به‌دست انصارالله و سایر گروه‌ها منجر شد و در کوران اعتراضات، هادی استعفایش را اعلام کرد. پس‌از آن بود که سازمان ملل دو قطعنامه پیاپی درخصوص یمن صادر کرد، قطعنامه شماره ۲۲۰۱ که در ۱۵ فوریه ۲۰۱۵ صادر و در آن بر لزوم عقب‌نشینی انصارالله از مراکز حکومتی تأکید شده بود و آنها را به مشارکت در گفت‌وگوهای صلح فرامی‌خواند و همچنین قطعنامه ۲۲۰۴ که تحریم‌هایی را بر ضد برخی شخصیت‌های یمنی که آنها را کودتاچی می‌خواند، وضع کرد.

دومینوی قطعنامه‌ها به اینجا ختم نشد و با صدور قطعنامه ۲۲۱۶، یمن به‌طور رسمی ذیل بند هفتم شورای امنیت قرار گرفت. این قطعنامه با سکوت درمورد حمله نظامی عربستان به یمن و عدم درخواست برای متوقف کردن بمباران این کشور، از عبدربه منصور هادی به‌عنوان رئیس‌جمهور مشروع یمن یاد کرد. (همان)

قطعنامه‌های شماره ۲۰۵۱، ۲۱۴۰، ۲۲۰۴، ۲۲۶۶، ۲۳۴۲، ۲۴۰۲، ۲۴۵۱، ۲۴۵۲ و ۲۴۸۱ نیز به ترتیب بر «انتقال کامل و فوری قدرت سیاسی به هادی و امکان وضع تحریم در صورت امتناع»،

«حمایت از گفتگوهای ملی و مجدداً لزوم انتقال کامل و فوری قدرت سیاسی به هادی و قرار گرفتن ذیل بند هفتم در صورت امتناع»، «تمدید فعالیت کمیته تحریم به مدت یک سال»، «تمدید انسداد اموال و ممنوعیت سفر بر ضد تهدیدکنندگان ثبات و عملیات انتقال قدرت یمن با عطف بر قطعنامه ۲۱۴۰»، «تمدید ممنوعیت اسلحه و سفر و همچنین انسداد دارایی‌های متعلق به اشخاص تعیین‌شده توسط کمیته به موجب قطعنامه شماره ۲۱۴۰ تا فوریه ۲۰۱۸»، «تمدید تحریم سفر، اسلحه و دارایی‌های مالی در حق تهدیدکنندگان صلح و امنیت در یمن»، «تأیید توافق استکهلم و دعوت طرفین به رعایت کامل آتش‌بس در الحدیده»، «ایجاد هیئت سیاسی ویژه برای حمایت از توافق الحدیده» و «تمدید مأموریت هیئت سازمان ملل در حمایت از توافق الحدیده تا ۱۵ ژانویه سال ۲۰۲۰» تأکید می‌کند. (OSESGY) مهم‌ترین قطعنامه شورای امنیت را باید قطعنامه شماره ۲۲۱۶ خواند و آن را پایه و اساس ادامه تجاوز سعودی به یمن توصیف کرد؛ چراکه به هادی مشروعیت سیاسی بخشیده شده بود و در نتیجه ریاض ادعا کرد که حملات همه‌جانبه ائتلاف بنا به درخواست رییس‌جمهور مشروع آن انجام پذیرفته است. این در حالی است که محاصره یمن توسط عربستان، در حدواندازه جنایت‌های جنگی بوده و شورای امنیت با احکام صادره به همراهی آمریکا، انگلیس و فرانسه با نسل‌کشی ائتلاف و جبهه قانونی بخشیده است. (Meggle, 2019)

قطعنامه یادشده هیچ نسبتی با تحولات یمن نداشته و تنها به پوششی برای جنگ‌طلبان و سرپوشی بر حملات غیرانسانی سعودی برای دستیابی به منافع سیاسی خود تبدیل شده است که البته راه را نیز بر مذاکرات بین صنعا و عدن مسدود کرد. در واقع، قطعنامه مذکور نیاز به بازنگری جدی دارد و در این رابطه، شورای امنیت باید اقداماتی را در راستای صدور قطعنامه‌ای جدید به منظور اتمام جنگ و شکل‌گیری گفت‌وگوهای جدی به دور از تهدیدها و دخالت‌های خارجی مبذول دارد. (نوار، ۲۰۱۹)

رفتار غیرمستقل سازمان ملل در صدور قطعنامه ۲۲۱۶ با لابی‌کشی کشوری که ضلع اصلی بحران و عدم دستیابی به صلح در یمن است در اینجا متوقف نمی‌شود و بان‌کی‌مون، دبیرکل وقت آن تحت فشارهای اعمالی نام عربستان را مدتی کوتاه پس از قرار دادن در لیست سیاه خارج کرد؛ ماجرای که می‌توان از آن به‌عنوان رسوایی تمام‌عیار یاد نمود. (الرمیمه، ۲۰۱۷)

مسئله بی‌طرفی این سازمان بین‌الدولی، لازمه میانجی‌گری میان طرفین دعوا است؛ ولی عقب‌نشینی‌های این‌چنینی و رفتار جانبدارانه نسبت به چشم‌پوشی از قتل‌عام ده‌ها هزار زن و کودک غیرنظامی پس از آنچه که تهدید ریاض به قطع کمک‌های صدها میلیون دلاری گفته می‌شود؛ اقتدار و استقلال سازمان ملل متحد را به ورطه سقوط کشاند. (ناصر، ۲۰۱۷)

از دیگر سو، یمن به میدانی برای نزاع قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است؛ به نحوی که هریک تلاش دارند، تا نیرو و اراده خود را بر ضد منافع ملت یمن تحمیل کنند. بحران تبدیل به پروسه‌ای طولانی شده و شورای امنیت را نیز به بازیچه قدرت‌های بین‌المللی مبدل کرده است؛ مسئله‌ای که شورای امنیت را از بازیگری برای حل بحران - چه از طریق مسالمت‌آمیز و چه به‌واسطه اقدام نظامی از سوی ائتلاف - ناتوان کرده است. (الحسنی، ۲۰۱۷)

دستاورد ۱۲ قطعنامه سازمان ملل طی ۱۰ سال بحران اخیر یمن، سلبی ارزیابی می‌گردد و غایت اقدام شورای امنیت مبنی بر قرار دادن پرونده یمن ذیل فصل هفتم نیز صفحه‌ای از کتاب بحران آن را حل نکرد. همانطور که جمال بن عمر فرستاده ویژه سازمان ملل در آغاز جنگ یمن نیز تأکید کرده بود، محاصره یمن به بهانه نرسیدن سلاح به انصارالله، بحران را تشدید خواهد کرد و اکنون پس از سال‌ها، محاصره غذایی و دارویی و حملات همزمان زمینی، دریایی و هوایی بر این ادعا صحه می‌گذارد. این درحالی است که سازمان ملل در بیانیه‌ای اعلام کرد که در صورت تداوم جنگ یمن تا سال ۲۰۲۲، پیش‌بینی می‌شود که به فقیرترین کشور جهان تبدیل شود و ۸۰ درصد از مردم آن زیرخط فقر قرار گیرند. (یورونیوز، ۲۰۱۹)

#### دستاورد فرستادگان سازمان ملل

سازمان ملل براساس بند اول ماده ۳۳ از فصل ششم منشور با عنوان حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات، سه فرستاده ویژه که جداگانه با حکمی از سوی دبیرکل وقت، مأمور به میانجی‌گری شده بودند، به یمن عزیمت داد. (UN، b)

فرستادگان پس از آغاز تجاوز ائتلاف سعودی که با مشارکت فعال کشورهای امارات، قطر، بحرین انجام شده بود، تلاش کردند تا راهکار جدیدی را برای حل و فصل بحران یمن و پایان دادن به جنگ خانمان براندازی که هرروز وضعیت را پیچیده‌تر می‌کرد، ارائه دهند؛ اما دشواری‌های موجود در این میان به‌طور عمده بن‌بستی سیاسی را برای آنان به ارمغان آورد. در ادامه کارنامه هریک از فرستاده‌های ویژه سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱. جمال بن عمر

بن‌عمر در سال ۲۰۱۲ از سوی بان‌کی مون، دبیرکل وقت سازمان ملل به‌عنوان فرستاده ویژه در یمن معرفی شد. او که در راستای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت ایفای نقش کرده بود، به فاصله ۲۰ روز پس از آغاز جنگ یمن استعفا کرد. (الیافی، ۲۰۱۹)

در این راستا، بسیاری از ناظران سیاسی فشارهای سعودی را دلیل اصلی کناره‌گیری این دیپلمات مغربی از سمت خود برشمردند. وی در این خصوص تصریح کرده بود که طرح سازمان ملل مبنی بر تداوم مذاکرات صلح یمن می‌توانست به‌عنوان مدلی برای رفع بحران در کشورهای عرب بعد از بهار عربی تبدیل شود؛ اما مداخله نظامی عربستان در یمن به این روند پایان داد. من در این مذاکرات نقش میانجی را ایفا کردم و این مذاکرات به توافقی برای تشکیل دولتی دموکراتیک در یمن هم منجر شد. مشکل اصلی در یمن در واقع پس از اتمام گفتگوی ملی در آغاز شد. (روسیا الیوم، ۲۰۱۵)

### ۲. اسماعیل ولدالشیخ احمد

بان‌کی‌مون در تاریخ ۲۵ آوریل ۲۰۱۵ به‌طور رسمی از انتخاب اسماعیل احمد به‌عنوان فرستاده دوم سازمان ملل خبر داد. کارنامه ولدالشیخ در یمن را به‌هیچ‌وجه نمی‌توان مثبت ارزیابی کرد؛ وی که در مذاکراتی از قبیل ژنو یک و دو و همچنین گفت‌وگوهای کویت حضور داشت، نتوانست در هیچ‌یک از مذاکرات دو طرف گفت‌وگو را برای دستیابی به توافق ترغیب کند. در سال ۲۰۱۷ و همزمان با مأموریت او، ۹ جلسه نظارت و مشاوره در شورای امنیت برگزار شد که به‌جز تمدید نظام تحریم‌های قطعنامه ۲۳۴۲، قطعنامه دیگری صادر نشد. تمام این مسائل دست‌به‌دست هم داد، تا این دیپلمات موریتانیایی استعفای خود را در ژانویه ۲۰۱۸ تقدیم دبیرکل کند. (الیافی، ۲۰۱۹)

### ۳. مارتین گریفیتس

در پی استعفای اسماعیل احمد، شورای امنیت سازمان ملل با رأی مثبت تمامی اعضا در هجدهم فوریه ۲۰۱۸، با تعیین مارتین گریفیتس به‌عنوان سومین فرستاده ویژه در یمن موافقت کرد. (بی‌بی‌سی، ۲۰۱۸) تعیین این دیپلمات ارشد انگلیسی را می‌توان نفسی تازه در جان مذاکرات یمنی که به مدت دو سال و نیم با توقف مواجه شده بود، توصیف کرد و در این راستا، مذاکرات گوناگونی را با طرفین درگیر و نمایندگان کشورهای مؤثر در مذاکره مانند: عربستان، امارات، کویت، عمان، سوئد، سوئیس، آلمان، روسیه به انجام رسانید. (القحطانی، ۲۰۱۹) در میان خلف‌و‌عده‌های سازمان ملل در برهه مسئولیت گریفیتس و عدم تحقق موضوعاتی همچون بازگشایی فرودگاه صنعا و ایجاد پل هوایی بشردوستانه پزشکی که دیپلمات کارکننده انگلیسی را مجبور به سکوت کرده است. (المسیره، ۲۰۲۰)؛ توافق استکهلم را باید مهم‌ترین دستاورد فرستاده ویژه سازمان ملل دانست که نهایتاً در اواخر ۲۰۱۸ میان طرفین یمنی به امضا رسید. (UN News، 2018)

باید توجه نمود که عملکرد سه فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن کاملاً متفاوت از یکدیگر

بوده است؛ به طوری که باید فرستاده موریتانیایی را ناکارآمدترین و همتای انگلیسی آن را نمونه‌ای کارآمد در امر میانجی‌گری توصیف کرد. در واقع گریفتس دستیابی به توافقی را هموار کرده است که در صورت پایبندی واقعی طرفین و حمایت بی‌طرفانه نهاد میانجی، نقطه‌عطفی در کارنامه این سازمان بین‌الدولی در امور یمن خواهد بود، شروطی که تا بدین لحظه محقق نشده است.

### توافقات حاصله

توافق «استکهلم» تنها توافق دوجانبه بین دولت نجات ملی و مستعفی با نقش مستقیم سازمان ملل متحد است که سوئد در همین رابطه از ششم تا سیزدهم دسامبر ۲۰۱۸ تا حصول نتیجه، میزبان نمایندگان یمنی بود. توافق یادشده، سه تعهد را شامل می‌شد که طرفین بر آن اتفاق کردند: آتش‌بس در الحیدیه و بنادر آن از قبیل: الحیدیه، الصلیف و رأس عیسی، مبادله اسرا و اعلام تفاهات در خصوص تعز.

مهم‌ترین قسمت توافق مربوط به شهر استراتژیک الحیدیه است که در ضمیمه توافق، ۱۴ تعهد مورد امضای طرفین قرار گرفت. سرفصل اصلی تعهدات عبارت است از: آتش‌بس فوری، کیفیت آرایش مشترک نیروهای مستقر در الحیدیه به مناطقی در خارج از آن، جمع‌آوری تمامی مظاهر نظامی، تشکیل کمیته هماهنگی جابجایی نیروها با نظارت دو طرف، راه‌اندازی مکانیزم راستی‌آزمایی و بازرسی سازمان ملل در خصوص یمن، کنترل درآمدهای مالی حاصل از بنادر با نگهداری آن در بانک مرکزی کشور و عهده‌گیری تأمین امنیت این شهر ساحلی توسط نیروهای محلی. (OSESGY، 2018 و أخبار الأمم المتحدة، ۲۰۱۸)

بدون در نظر گرفتن اعلام خروج رسمی دولت مستعفی یمن از معاهده سوئد پس از دومین سالگرد حصول توافق و اعلام پایبندی یک‌جانبه انقلابیون برای اثبات حسن نیت به مذاکرات دستیابی به صلح، بی‌ثمر بودن بخشی از تلاش‌ها برای عملیاتی کردن تئوری استکهلم، معلول دو مجموعه علل داخلی و خارجی است: در بُعد خارجی علت نقض توافق، باید به حملات مستمر ائتلاف موسوم به اسلامی با رهبری عربستان اشاره کرد که تنها با گذشت کمتر از یک هفته از زمان اجرای تعهدنامه توسط طرفین یمنی، الحیدیه را در بامداد ۱۸ دسامبر بارها به دلایل واهی بمباران کرد. (المیادین، ۲۰۱۸)

عدم تبیین دقیق کمی و کیفی بندهای توافق استکهلم توسط تنظیم‌کننده آن (سازمان ملل) نیز علل داخلی را نمایان می‌سازد؛ بندهایی که دقیقاً مقصود از «نیروهای محلی» برای تأمین امنیت



الحیدیه و «بانک مرکزی» برای انباشت درآمدهای مالی از بنادر آن را مشخص نکرده بود و از سوی دیگر، وابستگی انجام تعهدات در موضوع تعز به تشکیل کمیته مشترک الحیدیه، اجرایی شدن دو تعهد از تعهدات سه‌گانه را به بن‌بست کشاند و همین مسئله مرگ تدریجی تنها توافق سازمان پس از سال‌ها مذاکره و گفتگو را رقم زد. (مرکز صنعا، ۲۰۱۹)

البته اختلافات میان دولت نجات ملی و مستعفی یمن محصور به اشکالات ذاتی بندهای توافق نمی‌شد و اقدامات کارشکنانه در مباحثی مانند: آرایش نیروهای نظامی در خارج الحیدیه و تبادل اسرا، شعله آتش اختلافات را گسترده‌تر کرد. (أحمد، ۲۰۱۹)

### نتیجه

ارزیابی کارنامه ورود سازمان ملل متحد به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سازمان بین‌الدولی به پرونده یمن در ۲۰۱۱ تاریخی غرب‌آسیا و شمال‌آفریقا، نیازمند بررسی رفتار و تصمیمات بازیگرانه آن در ژئوپلیتیک پیچیده این کشور است.

بحران یمن گرچه در ابتدا یک درگیری داخلی نهایتاً منجر به مسلحانه قلمداد می‌شد؛ اما به تدریج با حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای رسیدن به منافع شخصی، معادلات را پیچیده‌تر و روند تحقق صلح را در حاله‌ای از ابهام فرو برد؛ رخدادی که علاوه بر باران گلوله و موشک، ارمغانی جز محاصره غذایی و دارویی، فقر، گرسنگی، شیوع بیماری‌های خطرناک و تهدیدات بهداشتی را در پی نداشته است. همچنین قطعنامه‌های بسیاری که تا ژوئن ۲۰۲۰، ۱۲ مورد صادر شده است، مهم‌ترین واکنش سازمان به این بحران و ابلاغ قطعنامه ۲۲۱۶ با لابی‌گری شورای همکاری خلیج‌فارس در سال ۲۰۱۵ مبنی بر قرار گرفتن پرونده یمن ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد تأثیرگذارترین آن بوده است.

قطعنامه یادشده با مشروع خواندن دولت هادی، حمایت ائتلاف از دولت مستعفی مشروع را دستمایه‌ای برای انجام حملات همه‌جانبه به مردم و زیرساخت‌های یمن کرد که تنها هدف آن کسب جایگاهی در معادلات قدرت منطقه توسط ریاض و هم‌پیمانانش بود. قطعنامه‌های صادره از آن‌جهت ناموفق بود که همواره با وضع تحریم‌های فلج‌کننده جدید، حلقه محاصره یمن را تنگ‌تر و کم‌کسانی‌های انسان‌دوستانه را غیرمحمول‌تر می‌کرد.

گفتنی است سازمان ملل را در دو موضوع فرستادگان ویژه و توافقات می‌توان مورد بررسی قرار داد که رهاورد مثبت هر دوی آن به گریفیتس، دیپلمات انگلیسی منتهی می‌گردد. سازمان در مورد عملکرد سه فرستاده خود عملکرد قابل دفاعی ندارد و دو دیپلمات نخست نیز با تقدیم استعفا جای

خود را به میانجی جدید دادند. توافق استکهلم به عنوان تنها موفقیت مکتوب این سازمان با میانجی‌گری گریفیتس در راستای نشان دادن طرفین یمنی بر سر میز مذاکره و تعهد دولت نجات ملی و مستعفی برای توافقاتی بر سر شهر استراتژیک الحدیده، شهر تعز و تبادل اسرا نیز با کارشناسی‌های عربستان و اعلام خروج رسمی دولت هادی به تکه‌ای کاغذ خط‌خورده مبدل گشت که دلدادگی سازمان به کمک‌های اقتصادی ریاض و حمایت حکام سعودی از هادی، فعال‌سازی ضمانت اجرایی برای تنبیه تهدیدکنندگان صلح در یمن را متنی ساخت.

در نتیجه رفتارها و تصمیمات سازمان ملل که گسیل فرستادگان ویژه، صدور قطع‌نامه‌ها و انجام توافق استکهلم بود، نمی‌توان موفقیت چندانی را بر آن متصور شد که همچنان دومینوی بازیگری این سازمان در بحران‌های غرب آسیا و راهبردهای آن در جهت برقراری صلح در کشورهای درگیر ناآرامی یکی پس از دیگری با شکست مواجه می‌گردد؛ شکستی که مارک لولوک، معاون وقت دبیرکل سازمان، در سال ۲۰۱۸ پیش‌بینی کرده بود. در واقع، مهم‌ترین علت عدم موفقیت سازمان ملل متحد وابستگی اقتصادی آن به کشورهای مرتجع عربی حوزه خلیج فارس (عربستان به‌طور خاص) و نفوذ سیاسی بازیگران تأثیرگذار دولتی بلوک غرب (آمریکا به‌طور خاص) ارزیابی می‌شود که این مهم مانعی در برابر تصمیم‌گیری مقتدر و مستقل سازمان برای مقابله با چالش‌های پیش‌روی حفظ صلح و امنیت جهانی است.

در مجموع می‌توان گفت کارنامه سازمان به دلایلی که ذکر شد، نه تنها قابل دفاع نیست؛ بلکه با رویکرد یک‌جانبه و نگاه وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر و اذتاب منطقه‌ای آن اسباب طولانی شدن بحران یمن و تعمیق بیشتر فاجعه را فراهم ساخته است. کارنامه سازمان ملل در بحران یمن به تعبیر امام خامنه‌ای یکی از ننگ‌بارترین دستاوردهای این سازمان است:

یک قطعنامه سازمان ملل، شورای امنیت منتشر کرد که جزو ننگ‌آمیزترین قطعنامه‌های سازمان ملل است که فراموش نمی‌شود. به جای اینکه بمباران‌کننده را محکوم کند، بمباران‌شونده را محکوم کرد! این‌ها لیبرال‌اند، لیبرالیسم یعنی این! (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رمضانی با جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰)

اگر سازمان ملل حقیقتاً می‌خواهد به حل بحران کمکی کند، باید شروطی را مراعات کند: اول؛ پای‌بندی به منشور در عدم صدور احکام جانبدارانه و جلوگیری از ادامه تجاوزات و نقض حاکمیت یمن امری اجتناب‌ناپذیر است که با تحقق این مهم، تحریم‌های صادره در شأن یمن و

محاصره همه‌جانبه آن لغو و از دخالت طرف‌های خارجی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تمامی ابعاد که در رأس آن ائتلاف تجاوزگر عربی قرار دارد، ممانعت خواهد شد.

دوم؛ مذاکرات یمنی - یمنی با نظارت بی‌طرفانه سازمان ملل میان طرف‌های اصلی دعوا اعم از انصار الله، دولت مستعفی و شورای انتقالی جنوب در فضای آتش‌بس صورت پذیرد، تا طرف‌های درگیر بر مشارکت همه‌جانبه یمنی‌ها در یک نظام پارلمانی با برگزاری انتخاب و تقسیم قدرت میان سه حزب اصلی در جایگاه‌های ریاست پارلمان، ریاست جمهوری و نخست‌وزیری به تفاهم برسند.

به عقیده نگارنده در صورت عدم تفاهم بر سر مشارکت طرف‌های درگیر در نظام پارلمانی، چهار سناریو در یمن محتمل خواهد بود: نخست آنکه جنگ یمن به تجربه جنگ فلسطین در سال‌های نامعلوم طولانی مدت منجر شود و یا با ادامه جنگ، انصارالله در سالی نامعلوم به پیروزی نهایی برسد که در غیراین صورت‌ها، کشور با گزینه‌های تجزیه و یا سیستم حکومتی فدرال پیوسته مواجه خواهد شد و هردو سناریوی اخیر به سود عربستان برای تأمین امنیت مرزهای جنوبی خود از تیررس انصارالله و امارات متحده برای ایجاد حکومتی دست‌نشانده و تعبیر رؤیای دیرینه خود مبنی بر بازیگری در میان قدرت‌های منطقه‌ای است؛ منافعی که باید حضور استعمارگرانه آمریکا و انگلیس در سرتاسر یمن را با اهدافی مانند: استخراج انرژی، سلطه بر مسیر اقتصاد دریایی، اشغال جزایر استراتژیک، تسلط بر باب‌المنندب و طراحی فتنه‌های جدید برای تأمین امنیت رژیم‌صهیونیستی به آن افزود.

## منابع و مأخذ

۱. ابوزید، احمد، ۲۰۱۸م، *العلاقات الیمنیة الخلیجیة*، الأخوة الأعداء، قاهره، العربی.
۲. احرامی، سجاد و علی توکلی طبسی و عسکر جلالیان، ۱۳۹۷، «جایگاه میانجی‌گری مبتنی بر اخلاق سازمان ملل متحد در بحران‌های سوریه و یمن»، *فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی*، ش ۳۲، ص ۵-۱۶.
۳. أحمد، عبدالله، ۲۰۱۹م، «الأزمة الیمنیة هل تعود الحیاة لاتفاق ستوکهولم فی ۲۰۲۰؟»، قناة الأناضول، ۲۰۱۹/۱۲/۲۳.
۴. الاحمدی، عادل، «روسيا تبحث عن أدوارٍ سیاسیة فی الیمن»، الموقع الرسمي لقناة العربی الصهیوقطریة، ۲۰۱۵/۱۱/۲۰.
۵. الاحمدی، محمد، ۲۰۲۰م، «الإمارات فی الیمن: من دعم الشرعیة إلی تقویض ملامح الدولة»، مركز الجزيرة للدراسات، ۲۰۲۰/۰۴/۲۸.
۶. أخبار الأمم المتحدة، ۲۰۱۸م، «اختتام المشاورات الیمنیة: اتفاقات حول الحدیة وتعز وتبادل الأسرى»، ۲۰۱۸/۱۲/۱۳.

٧. بختیاری، دانش و محمد قاسم، ١٣٨٠، «عملکرد سازمان ملل در بحران افغانستان»، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ش ٣ و ٤، ص ٥٧-٦٦.
٨. بوتیتی، یاسین، ٢٠١٧م، «صحيفة تكشف دور بريطانيا في حرب السعودية باليمن»، قناة روسيا اليوم، ٢٧/١١/٢٠١٧.
٩. بی.بی.سی، ٢٠١٨م، «من هو المبعوث الأممي الجديد إلي اليمن؟»، ١٦/٢/٢٠١٨.
١٠. الحسنی، أحمد محمد عبدالله ناصر، ٢٠١٧م، «قرارات مجلس الأمن ودورها في حل الأزمة اليمنية»، *مجلة العلوم السياسية والقانون*، العدد الثاني، ص ٢٥٦-٢٦٩.
١١. الخليج، ٢٠٢٠، «سر أطماع السعودية والإمارات.. تعرف علي ثروة اليمن النفطية»، ٢٠/٢/٢٠٢٠.
١٢. دولت خواه، زهرا و نوذر شفیعی، ١٣٩٦، «دکترین مسئولیت حمایت: تبیین رویکرد قدرت های بزرگ در قبال بحران های لیبی و یمن»، *فصلنامه راهبرد*، سال ٢٦، ش ٨٤، ص ١٠٩-١٣١.
١٣. دویتنشه فیله، ٢٠١٩م، «التوقيع علي اتفاق الرياض بين حكومة هادي وانفصالي الجنوب»، ٥/١١/٢٠١٩.
١٤. الرابعة، خالد، ٢٠١١م، *الجغرافيا السياسية: دراسة تطبيقية علي الجمهورية اليمنية*، امان: دار جلیس الزمان.
١٥. الریمه، حبيب، ٢٠١٧م، «سقوط الأمم المتحدة في اليمن»، صحيفة رأى اليوم، ١٧/٦/٢٠١٧.
١٦. روسيا اليوم، ٢٠١٥م، «بن عمر: اليمن كان قريباً من اتفاق سياسى عشية عاصفة الحزم»، ٢٨/٠٤/٢٠١٥.
١٧. ریدل، بروس، ٢٠١٩م، «المملكة العربية السعودية والحرب الأهلية ضمن حرب اليمن الأهلية»، معهد بروکنجز الدوحة، ١٥/٠٨/٢٠١٩.
١٨. الزهاوی، احمد، ٢٠١٩م، «هل تشارك إسرائيل في حرب اليمن؟»، قناة الميادين، ١٩/٢/٢٠١٩.
١٩. سبوتنیک، ٢٠٢٠م، «بالأرقام... حصيلة ٥ أعوام من الحرب علي اليمن»، ٠٩/٠٤/٢٠٢٠.
٢٠. سریع القلم، محمود، ١٣٧٩، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازیابی نظری و پارادایم ائتلاف*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
٢١. السيد، عباس، ٢٠١٩م، «الدور الإسرائيلي في الأزمة والحرب علي اليمن»، صحيفة الثورة اليمنية، ٢٦/٠٣/٢٠١٩.
٢٢. الشربینی، سهیر، ٢٠١٩م، «قراءة في: قرارات الأمم المتحدة في اليمن (٢٠١١ الى ٢٠١٩)»، مرکز الحوكمة وبناء السلام، ٠٦/٠٤/٢٠١٩.
٢٣. الشرجی، ادريس، ٢٠١٧م، «سقطري.. بين سيناريوات النفوذ الناعم و مشاريع السيطرة العسكرية»، صحيفة الثورة اليمنية، ٢٢/٠٥/٢٠١٧.

ارزیابی عملکرد سازمان ملل در قبال بحران‌های بین‌المللی (مطالعه موردی بحران یمن) □ ۹۱

۲۴. الصفاری، مطهر، ۲۰۲۰م، «جنوب و شرق اليمن: جغرافيا تتنازعها القوي الإقليمية»، مركز الفكر الاستراتيجي للدراسات، الرقم ۴۵، ۲۰۲۰/۰۲/۰۴.
۲۵. العريفي، مراد، ۲۰۱۹م، «الإمارات في اليمن: من دعم الشرعية إلي تفويض ملامح الدولة»، وكالة الأناضول التركية، ۲۰۱۹/۰۱/۰۸.
۲۶. عزیزی، مسعود، ۱۳۹۶، «بررسی علل ناکارآمدی سازمان ملل متحد در بحران‌های اخیر غرب آسیا و درس‌های آن برای ایران»، *یازدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت*، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۲۷. القحطانی، بدر، ۲۰۱۹م، «طائرتی منزلی... وجولاتی الخلیجیة أثمرت»، جريدة الشرق الاوسط، ۲۰۱۹/۰۷/۱۱.
۲۸. قناة الجزيرة، ۲۰۱۲م، «اليمن يلغى اتفاقية تأجير ميناء عدن»، ۲۰۱۲/۰۸/۲۵.
۲۹. کشیشیان سیرکی، گارینه و سهیل سهیلی نجف آبادی، ۱۳۹۸، «بررسی بحران یمن: تحولات، ریشه‌ها، بازیگران و راهکارهای موجود برای اتمام بحران»، *فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج*، ش ۴۶، ص ۱۸۷ - ۲۱۴.
۳۰. مرکز صنعاء للدراسات الاستراتيجية، ۲۰۱۹م، «جوع، دبلوماسية، و أصدقاء لدودون: تقرير اليمن السنوي ۲۰۱۸»، ۲۰۱۹/۰۱/۳۱.
۳۱. المسيرة، ۲۰۲۰م، «لدي وصوله صنعاء.. غريفت يرفض توضيح مسببات عرقلة الجسر الطبي وفتح مطار صنعاء»، ۲۰۲۰/۰۱/۲۳.
۳۲. موسی زاده، رضا، ۱۳۹۵، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، میزان.
۳۳. الموقع الرسمي لرئاسة الجمهورية اليمنية، ۲۰۱۳م، «اليمن و الصين يوقعان اتفاقية توسيع و تعميق محطة الحاويات بميناء عدن بتكلفة ۵۰۷ ملايين دولار»، ۲۰۱۳/۱۱/۱۴.
۳۴. الميدان، ۲۰۱۸م، «تزامناً مع وصول الفريق الأممي.. التحالف يواصل خروقات وقف إطلاق النار في الحديدة»، ۲۰۱۸/۱۲/۲۴.
۳۵. ناصر، أفرح، ۲۰۱۷م، «فشل الأمم المتحدة المتزايد في اليمن»، مركز رفیق الحریری للشرق الأوسط، المجلس الأطلنطي فی واشنطن، ۲۰۱۷/۰۹/۲۲.
۳۶. نجات، سیدعلی و سیده راضیه موسوی و محمدرضا صارمی، ۱۳۹۵، «راهبرد عربستان و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، د ۹، ش ۳۳، ص ۱۳۷ - ۱۳۹.
۳۷. النعمی، راشد، ۲۰۱۸م، «عاصفة الحزم.. علامة فارقة في تاريخ اليمن و المنطقة»، جريدة الخلیج الاماراتية، ۲۰۱۸/۰۸/۲۵.

٣٨. نوار، ابراهیم، ٢٠١٩م، «اليمن: في بطلان شرعية القرار ٢٢١٦»، صحيفة القدس العربي، ٢٠١٩/٠٩/١٥.
٣٩. هوشی سادات، سید محمد، ١٣٩٣، «روابط ایران و یمن؛ چالش ها و فرصت ها»، دیپلماسی ایرانی، ١٣٩٣/١٢/٢٨.
٤٠. الیافعی، یاسر، ٢٠١٩م، «مسلسل فشل الأمم المتحدة باليمن بدءاً من الاخضر الابراهيمی وحتى غریفیث و کامیرت»، موقع یافع نیوز، ٢٠١٩/٠٢/٠١.
٤١. یورونیوز، ٢٠١٩م، «في حال استمرار الحرب حتي العام ٢٠٢٢.. اليمن سيصبح أفقر بلد في العالم»، ٢٠١٩/١٠/١٠.

42. WFP, 2019, "Yemen emergency", available at:  
<https://wfp.org/emergencies/yemen - emergency>
43. UN, 2011, "Security Council Resolutions", available at:  
[https://undocs.org/ar/S/RES/2014\(2011\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2014(2011))
44. UN, 2012, "Security Council Resolutions", available at:  
[https://undocs.org/ar/S/RES/2051\(2012\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2051(2012))
45. UN, 2014, "Security Council Resolutions", available at:  
[https://undocs.org/ar/S/RES/2140\(2014\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2140(2014))
46. UN, 2015, "Security Council Resolutions", available at:  
[https://undocs.org/ar/S/RES/2201\(2015\) & https://undocs.org/ar/S/RES/2204\(2015\)  
& https://undocs.org/ar/S/RES/2216\(2015\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2201(2015) & https://undocs.org/ar/S/RES/2204(2015) & https://undocs.org/ar/S/RES/2216(2015))
47. UN, 2016, "Security Council Resolutions", available at:  
[https://undocs.org/ar/S/RES/2266\(2016\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2266(2016))
48. UN, 2017, "Security Council Resolutions", available at:  
[https://undocs.org/ar/S/RES/2342\(2017\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2342(2017))
49. UN, 2018, "Security Council Resolutions", available at:  
[https://undocs.org/ar/S/RES/2402\(2018\) & https://undocs.org/ar/S/RES/2451\(2018\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2402(2018) & https://undocs.org/ar/S/RES/2451(2018))
50. UN, 2019, "Security Council Resolutions", available at:  
[https://undocs.org/ar/S/RES/2452\(2019\) \\* https://undocs.org/ar/S/RES/2481\(2019\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2452(2019) * https://undocs.org/ar/S/RES/2481(2019))
51. UN, a, "Chapter I: Purposes and Principles", available at:  
[https://www.un.org/en/sections/un\\_charter/chapter\\_i/index.html](https://www.un.org/en/sections/un_charter/chapter_i/index.html).
52. UN, b, "Chapter VI: Pacific Settlement of Disputes", available at:  
[https://www.un.org/en/sections/un\\_charter/chapter\\_vi/index.html](https://www.un.org/en/sections/un_charter/chapter_vi/index.html)
53. UN News, 2020, "Yemen resilient and 'unscathed' in face of latest Gulf crisis", 2020/1/16.
54. OSESGY, 2018, "Full Text of the Stockholm Agreement", 2018/1/13.
55. OSESGY, Security Council Resolutions, available at:  
[https://osesgy.unmissions.org/security\\_council\\_resolutions](https://osesgy.unmissions.org/security_council_resolutions)
56. Meggle, Georg, 2019, "Zur Rolle der UN beim Völkermord im Jemen", Deutsches Online-Magazin Telepolis, 2019/1/6.
57. Al-Falahi, Ashraf, 2016, "Just how neutral is Oman in Yemen war?", Al-Monitor, 2016/10/12.
58. Bandow, Doug, 2019, "U.S. Support Has Fueled, Not Moderated, the Yemen War", The National Interest, 2019/5/19.